



توراه اور • پاراشاها برآشیت • مامار 6

לא טוב היות האדם לבדו אעשה לו עזר כנגדו

خوب نیست که آدمی تنها باشد؛
برای او یآوری در برابرش بسازم



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی بیتسحاق

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/6

1 לא טוב היות האדם לבדו אעשה לו עזר כנגדו. כתיב כי שמש ומגן הוי"ה אלקים.

«تنها بودن آدم خوب نیست؛ یآوری در برابر او برایش می‌سازم.» نوشته شده است: «זירה הוי"ה ו Elokim خورشید و سپر است.»

פי' הוי"ה הוא גילוי והמשכת ההארה להיות מקור להתהוות העולמות כי הוי"ה מלשון התהוות כנודע.

یعنی: הוי"ה آشکارشدن و امتداد یافتن روشنایی است، تا سرچشمهٔ پدیدآمدن عوالم باشد؛ زیرا הוי"ה از واژهٔ «پدیدآمدن» (התהוות, hishavus) گرفته شده است، چنان‌که شناخته است.

אך אם היה הארה זו מתגלית ונמשכת להיות חיות לנבראים כמו שהיא בעצמותה לא היו הנבראים כלל על אופן שהם עתה

اما اگر این روشنایی آن‌گونه که در ذات خود هست آشکار می‌شد و امتداد می‌یافت تا نیروی حیات (חיות, chayus) برای آفریدگان باشد، آفریدگان اصلاً به صورتی که اکنون هستند وجود نمی‌داشتند؛

כי לא היה יכול להיות מציאות יש ונפרד כמו שהוא עתה מאחר שאור וחיות המהוה היה מאיר עליו בגילוי אלא היו בבחי' ביטול המציאות مכל وכל כמו שהוא קמ"י [קמיה] ית' דכולא כלא חשיבי.

زیرا ممکن نبود وجودی «چیز» و جداگانه، آن‌گونه که اکنون هست، پدید آید؛ چراکه نور و نیروی حیاتی که آن را به وجود می‌آورد، آشکارا بر آن می‌تابید؛ بلکه آفریدگان در حالتِ **بیטول** مطلق وجود می‌بودند، همان‌گونه که در پیشگاه او، متبارک باد، همه چیز هیچ به شمار می‌آید.

2 ולזאת עשה השי"ת [השם יתברך] מגן ונרתק לשם הוי"ה והוא בחי' שם אלקים שמעלים ומסתיר תוקף ההארה

ازاین‌رو **ה'**، که مبارک باد، برای نام چهارحرفی (**ה'**, Havayah) سپر و غلافی قرار داد؛ و این همان مرتبهٔ نام **אלקים** (אלקים, Elokim) است که شدت تابش را می‌پوشاند و پنهان می‌سازد،

והיינו ע"י גבורות וצמצומים ואז יכול להיות התהוות היש ונפרד וזהו פי' שם אלקים לשון שררה כי אין מלך בלא עם.

یعنی به واسطهٔ سخت‌گیری‌ها (**גבורות**, gevuros) و انقباض‌ها (**צמצומים**, tzimtzumim)؛ و آن‌گاه پدیدآمدن «چیز» (**יש**, yesh) و امرِ جداگانه ممکن می‌شود. و این معنای نام **אלקים** است: این نام بر فرمانروایی دلالت دارد، زیرا «هیچ پادشاهی بدون مردم نیست».

**ובחי' זו הוא הנק' ג"כ בשם שכינה כי שכינה הוא מלשון ושכנתי בתוכם שע"י מדה זו הוא מתלבש
בנבראים**

و این مرتبه را همچنین «حضور الهی» (שכינה, Shechinah) می‌نامند؛ زیرا Shechinah از تعبیر «و در میانشان سکونت
خواهم گزید» گرفته شده است، چراکه به واسطه این صفت، او در مخلوقات متلبس می‌شود؛

**משא"כ אם היה ההארה מתגלית כמו שהיא בעצמותה לא היו הנבראים יכולים להכיל אותה כלל
וכנ"ל.**

درحالی‌که اگر تابش، همان‌گونه که در ذات خود هست، آشکار می‌شد، مخلوقات اصلاً نمی‌توانستند آن را در خود جای دهند،
چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

**3 והנה נז' [נזכר] בדרז"ל [בדברי רבותינו זכרונם לברכה] ענין גלות השכינה כמו שאמרו גלו לאדום שכינה עמהם
גלו לבבל כו'.**

اکنون، موضوع تبعید حضور الهی (שכינה, Shechinah) در سخنان حکیمان ما ז"ל یاد شده است؛ چنان‌که گفتند: «به ادم
تبعید شدند - حضور الهی با آنان بود؛ به بابل تبعید شدند...» و جز این.

**וענין גלות זה הוא כך בהיות כי תכלית ירידת והמשכת אור אלקותו ית' שנמשך להתלבש בנבראים
ולהחיותן ע"י צמצום דשם אלקים כנ"ל עד שיהיו מתהווים באופן שהם בחי' יש ונפרד. הוא בשביל
שאח"כ יתבטל היש לאין**

و معنای این تبعید چنین است: غایت نزول و افاضة نور الوهیت او، که متبارک است، - نوری که فرود می‌آید تا در مخلوقات
پوشیده شود و از راه انقباض (צמצום, tzimtzum) نام اלקים (אלקים, Elokim)، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، به آنان حیات
ببخشد - این است که آنان به‌گونه‌ای پدید آیند که مرتبه‌ای از «چیز» و جدا باشند، تا پس از آن این «چیز» به «نیستی»
خودنفی‌گر شود،

**ע"ד מ"ש וצבא השמים לך משתחווים שכל המלאכים צבא מעלה מיכאל וגבריאל כו' עם שהם בחי' יש
ודבר אבל הם בטלים אל האין.**

همان‌گونه که نوشته شده است: «و سپاه آسمان در برابر تو سجد می‌کنند»: همه فرشتگان، سپاه بالا، میکائیل و جبرئیل و جز
آنان، با آن‌که مرتبه‌ای از «چیز» و موجودی‌اند، به «نیستی» خودنفی‌گرند.

4 וזהו נח"ר [נחת רוח] לפניו ית' שיהיה יש ושיתבטל ובזאת דוקא הוא חפץ. ובשביל זה היה ירידת הארת אלקותו ע"י העלמים והסתרים עד שיהיה התהוות היש כנ"ל וכדכתיב כל הנקרא בשמי ולכבודי בראתיו וגו'.

و این است خشنودی پیشگاه او، متبارک باد: آن که وجودی مستقل (יש، yesh؛ چیزی که خود را قائم به ذات می نمایاند) پدید آید و به خودنهی گری (بیטול، bittul) برسد؛ و خواست او مشخصاً همین است. از این رو، تابش الوهیت او از راه حجابها و پوشیدگیها فرود آمد تا وجود مستقل پدید آید، چنان که پیشتر گفته شد؛ و چنان که نوشته شده است: «هر که به نام من خوانده می شود، او را برای جلال خویش آفریدم...»

אבל בחי' גלות השכינה הוא כשנמשך הארת אלקותו ית' הנק' בשם שכינה ומתלבשת בע' [בשבטים] שרים להחיותן והם יש ודבר בפ"ע [בפני עצמו] לי יאורי כו' רק דקרו ליה אלקא דאלקיא.

اما تبعید حضور الهی (שכינה، Shechinah) آن گاه است که تابش الوهیت او، که به نام حضور الهی خوانده می شود، به هفتاد سرور فرود می آید و در آنان جامه می پوشد تا به آنان حیات بخشد؛ و آنان خود وجود و واقعیتی مستقل اند: «رود من از آن من است...»؛ پایین همه، او را فقط «אלקא דאלקיא» می خوانند.

אשר זהו בחי' גלות ממש מאחר שלא נעשה בחי' ביטול אח"כ מירידה זו.

این تبعید واقعی است، زیرا پس از این نزول، هیچ خودنهی گری ای پدید نیامد.

וזהו הפך הכוונה כנ"ל והוא סוד גלות השכינה שהארת אלקות מקור חי העולמים נשפלת ונגלית עד תחתית המדרגות שהם מדור הקליפות והיכלות החיצונים וכנודע:

و این برخلاف مقصود است، چنان که پیشتر گفته شد؛ و این راز تبعید سכינה است: تابش الوهیت، سرچشمه حیات عوالم، فروکاسته و آشکار می شود تا به پایین ترین مراتب برسد؛ همان جا که جایگاه پوسته ها (קליפות، kelipos؛ نیروهای پوشاننده) و تالارهای بیرونی است، چنان که معلوم است:

5 והנה השכינה נקראת בכתוב בשם מראה. כמ"ש במראה אליו אתודע. והענין שהוא עד"מ כמו המראה

הגשמית שפעולתה להראות לאדם מה שמלאחוריו

اکنون حضور الهی (سכינה، Shechinah) در کتاب مقدس «آینه» نامیده می شود؛ چنان که آمده است: «در رؤیا (مראה، mar'ah) خود را به او می شناسانم.» مقصود این است که به عنوان تمثيل، مانند آینه ای واقعی که کارش نشان دادن چیزی است که پشت سر شخص قرار دارد.

והיינו ע"י שהזכוכית מצופה בצפוי כסף שהוא מכסה ומסתיר על הזכוכית ומונע את הראות בלתי תוכל להתפשט עוד להלאה.

این از آن روست که شیشه با پوششی از نقره پوشانده شده است؛ پوششی که شیشه را می‌پوشاند و پنهان می‌کند و مانع دیدن می‌شود، به گونه‌ای که دید دیگر نمی‌تواند فراتر برود.

ומחמת העכוב והמניעה נעשה אור חוזר עד שתפול הראות גם לאחוריו (وهוא מכח הזכוכית והצפוי) מה שלא היה יכול לראות אם לא היה צפוי זה.

و به سبب این مانع و بازدارندگی، نور بازتابیده پدید می‌آید، تا آن‌جا که نگاه حتی به پشت سر شخص نیز می‌رسد (و این به نیروی شیشه و پوشش است)؛ چیزی که اگر این پوشش نبود، نمی‌توانست ببیند.

אך מ"מ היינו דוקא כשהיא מצופה ומכוסה בכסוי דק וקלויש כמו הכסף אבל כשהיא מכוסה בכסוי עב וחשוד לא יראה בה כלום.

با این‌همه، این فقط هنگامی رخ می‌دهد که آینه با پوششی نازک و ظریف، مانند نقره، پوشانده شده باشد؛ اما اگر پوشش آن ضخیم و تیره باشد، چیزی در آن دیده نمی‌شود.

6 **וכך יובן הנמשל. והוא כי הנה שם הוי"ה הוא בבחי' המשכה מלמעלה למטה כנ"ל**

و بدین‌سان، وجه انطباق تمثيل فهمیده می‌شود. نام چهارحرفی (הוי"ה, Havayah) مرتبه فرودآوردن از بالا به پایین است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد؛

ובחי' מל' ית' שהוא הנק' בשם אלקים היינו בחי' צמצום והסתר שבה מסתתר' [מסתתרת] ומתעלמת ההארה בלתי תתפשט ותתגלה עוד כנ"ל.

و مرتبه فرمانروایی (ملכות, Malchus) او، متبارک باد، که به نام **אלקים (אלקים, Elokim)** خوانده می‌شود، مرتبه انقباض (צמצום, tzimtzum) و پوشیدگی است؛ در آن، روشنایی پنهان و مستور می‌شود، تا دیگر گسترش نیابد و آشکار نگردد، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

ומחמת צמצום והעלם זה נעשה אור חוזר שהוא חוזר ועולה למעלה מעלה יותר מכפי ערך כח מקור ההארה המתפשטת דשם הוי"ה

و به سبب این انقباض و پوشیدگی، نور بازتابیده (אור חוזר, or chozer) پدید می‌آید؛ نوری که بازمی‌گردد و بسیار بالاتر از اندازه توان سرچشمه روشنایی گسترش‌یابنده **הוי"ה** صعود می‌کند؛

וכמ"ש אשת חיל ע"ב [עטרת בעלה] **וכתיב והיה אור הלבנה כאור החמה כו'.** והיינו כמשל המראה שע"י הכיסוי המסתיר ומונע התפשטות ההארה נעשה או"ח [אור חוזר] **עד למרחק וד"ל** [ודי למבין].

چنانکه نوشته شده است: «زین توانمند تاج شوهر خویش است»، و نیز نوشته شده است: «و نور ماه همچون نور خورشید خواهد بود...» و غیره. این همانند تمثیل آینه است: پوششی که روشنایی را می‌پوشاند و مانع گسترش آن می‌شود، نوری بازتابیده پدید می‌آورد که تا فاصله‌ای دور می‌رسد؛ و همین برای اهل فهم بس است.

וז"ש [וזהו שכתוב] **עולת שבת בשבתו. וכן מ"ש רז"ל** [רבתינו זכרונם לברכה] **(כתובות סא) ע"פ בעולת בעל בעלייתו של בעל עולה עמו כו'.**

و این است معنای آنچه نوشته شده است: «قربانی سوختنی شبات در شبات خود» (عولت, olas). و نیز آنچه حکیمان ما، یاشان گرامی، دربارهٔ «همسر مرد» (בעולת בעל, be'ulas ba'al) گفته‌اند (כתובות 61): «با صعود شوهر، او نیز همراه او صعود می‌کند» (בעלייתו, be'aliyaso) و غیره.

ועמ"ש ע"פ הראיני את מראיך כו' שזהו ג"כ ענין ירידת הנשמה בגוף המסתיר שהוא צורך עליה לחזור ממטה למעלה להתכלל באור ה' כו'.

و نیز بنگرید به آنچه دربارهٔ آیهٔ «چهره‌ات را به من بنما...» نوشته شده است: این نیز همان معنای فرودآمدن نفس به درون بدن پوشاننده است؛ فرودآمدنی که برای صعود است، تا نفس از پایین به بالا بازگردد و در نور ه' درآمیزد و غیره.

7 והוא ג"כ מ"ש ויעש ה' אלקים לאדם ולאשתו כתנות עור ویלבשם שהוא בחי' לבוש המכסה ומעלים וע"י לבוש והעלם זה נעשה אח"כ הכאת האור חוזר כנ"ל.

و این نیز همان است که نوشته شده است: «و ה' אלקים برای آدم (آدم) و همسرش جامه‌هایی از پوست ساخت و آن‌ها را پوشاند»: این مرتبهٔ جامه‌ای است که می‌پوشاند و پنهان می‌کند؛ و به واسطهٔ این جامه و پوشیدگی است که پس از آن، چنانکه پیش‌تر گفته شد، برخورد نور بازتابیده پدید می‌آید.

וזהו לא טוב היות האדם לבדו. פי' וענין היות האדם לבדו היינו להיות הכל המשכה בבחי' גילוי מלמעלה שז"ס [שזה סוד] **אדם העליון שם מ"ה** [שם מ"ה] **על הכסא דמות כמראה آدم כו'**

و این است معنای «خوب نیست که انسان تنها باشد». یعنی مقصود از «تنها بودن انسان» آن است که همه‌چیز به صورت جریان آشکار از بالا امتداد یابد؛ و این راز آدم برین، نام **م"ה** (Mah)، است: «بر تخت، صورتی همچون سیمای انسان...» و جز این.

שיהיה בבחי' גילוי מאליו ומעצמו למטה שאז היה הכל בבחי' ביטול כמו שהוא למעלה בבחי' יחוי' ע
[יחודא עילאה] דכולא כלא חשיבי כאין ואפס וזהו היות האדם לבדו ר"ל [רוצה לומר] שהי' [שהיה] הכל בביטול
אליו ית'.

به گونه‌ای که خودبه‌خود و از خود در پایین آشکار شود؛ زیرا در آن صورت، همه چیز در حالتِ خودنفی‌گری (بیטול, bittul) بود، همچنان‌که در بالا، در مرتبۀ یگانگی برتر (יחודא עילאה, yichuda ila'ah)، که در آن «همه هیچ به‌شمار می‌آید»، چون هیچ و نیستی است. و این است معنای «تنها بودنِ انسان»: یعنی همه‌چیز در برابرِ او، متبارک باد، در حالتِ خودنفی‌گری باشد.

אעשה לו עזר כנגדו שיהיה עזר וסיוע מבחי' כנגדו דוקא דהיינו מבחי' הצמצום וההסתר המגד
להתפשטות ההארה כנ"ל שמחמת זה מתהווה הגוף ונפש הבהמית שהם בחי' יש ונפרדים כנ"ל

«برای او یآوری در برابرش بسازم»: یعنی یاری و پشتیبانی مشخصاً از مرتبۀ «در برابرش» باشد؛ یعنی از مرتبۀ انقباض (צמצום, tzimtzum) و پوشیدگی‌ای که در برابرِ گسترشِ تابش می‌ایستد، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. به سببِ همین امر است که جسم و نفیس حیوانی (נפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) پدید می‌آیند؛ آن‌ها موجوداتی «چیزوار» و جداافتاده‌اند، چنان‌که پیش‌تر گفته شد؛

ומזה דוקא יהיה העזר כי מהעלם זה נעשה אח"כ או"ח [אור חוזר] למעלה מעלה.

و یاری مشخصاً از همین‌جا خواهد آمد، زیرا از این پوشیدگی است که پس از آن نورِ بازتابیده تا مراتبِ بسیار بالاتر پدید می‌آید.

8 וכמ"ש צחוק עשה לי אלקים שעיקר הצחוק והתענוג לע"ל [לעתיד לבוא] ישמח ה' במעשיו נמשך משם
אלקים

و چنان‌که نوشته شده است: «**אלקים** برای من خنده پدید آورده است»: اصلِ خنده و لذت در زمانِ آینده – «**ה'** در کارهای خویش شادمان خواهد شد» – از نامِ **אלקים (אלקים, Elokim)** سرچشمه می‌گیرد،

כמ"ש במ"א שעיי"ז יהיה אח"כ הגילוי מבחי' שלמעלה משם הוי"ה כמ"ש עד יעבור עמך הוי"ה והוא
בחי' אשר לא ישב אדם שם כמ"ש ע"פ בעטרה שעטרה לו אמו כו'.

چنان‌که در جای دیگری توضیح داده شده است، به واسطۀ این امر، پس از آن تجلی‌ای از مرتبه‌ای فراتر از نامِ **הוי'** خواهد بود؛ چنان‌که نوشته شده است: «تا قوم تو بگذرند، **הוי'**؛ و این همان مرتبۀ «جایی است که هیچ انسانی در آن سکونت نکرده است»، چنان‌که در شرح آیۀ «با تاجی که مادرش برای او نهاد» و جز آن آمده است.

9 והנה אחר חטא אדה"ר [אדם הראשון] כתיב כתנות עור בעי"ן.

اکنون، پس از گناه آدم نخستین (آدم הראשון)، نوشته شده است: «جامه‌های پوست»، با حرف עֵיִן (עין, Ayin).

כי מקודם החטא היה כסוי וההעלם דק ביותר דהכתיב ויניחם בג"ע [בגן עדן] כו' אבל אחר החטא הוא בחי' הכנגדו ביותר שהוא בחי' קליפת נוגה וזהו ענין כתנות עור.

زیرا پیش از گناه، پوشش و پنهان بودن بسیار لطیف بود، چنان‌که نوشته شده است: «و ה' او را در باغ عدن جای داد...»؛ اما پس از گناه، مرتبه‌ای پدید آمد که بیش از همه در برابر او قرار دارد؛ یعنی مرتبه پوسته درخشان (کلیفت نוגה, kelipas nogah). و این همان معنای «جامه‌های پوست» است.

כי הנה עיקר ענין יניקת החיצונים הוא ע"י העור כי יניקתם הוא מבחי' השערות כמ"ש כרחל לפני גוזזיה נאלמה (עמ"ש פ' פנחס ע"פ צו את קרבני כו')

زیرا سرچشمه اصلی تغذیه نیروهای بیرونی از راه پوست است، چون تغذیه آنها از مرتبه موهاست؛ چنان‌که نوشته شده است: «چون میشی که در برابر پشم‌چینانش خاموش است» (و بنگرید به آنچه در پرست پینخاس (پینחס)، بر آیه «فرمان بده... قربانی من...» نوشته شده است)،

ועיקר צמיחת השערות הוא ע"י העור שיש בו גומות שמהם השערות צומחות כו' כמ"ש גבי פרה אדומה היו בה שתי שערות בתוך גומא א' פסולה כו'

و رویش اصلی موها به واسطه پوست است؛ پوستی که منفذهایی دارد و موها از آنها می‌رویند و غیره. چنان‌که درباره گاو سرخ گفته شده است: «اگر دو تار مو در یک منفذ باشد، مردود است» و غیره؛

ובפרק העור והרוטב נקב שאין הדיו עובר עליו כו' ולכן העבודה הוא עד"מ עבוד עורות.

و در فصل «Ha'or Veharotev» آمده است: «سوراخی که مرکب از روی آن نمی‌گذرد» و غیره. بنابراین، خدمت (عבודה, avodah) به طریق تمثیل، همان دباغی پوست‌ها (عیבוד, ibbud) است.

10 וזה נק' עובד אלקים שמתקן הסתר בחי' העור הנ"ל הנמשך משם אלקים להיות אתהפכא חשוכא לנהורא כו'.

و این «خدمت‌گزار اَلِکِیم (اَلِکِیم, Elokim)» نامیده می‌شود؛ یعنی «عوبد اَلِکِیم» (oved Elokim): کسی که پوشیدگی جنبه (بחינה, bechinah) پوست یادشده در بالا را اصلاح می‌کند؛ پوشیدگی‌ای که از نام اَلِکِیم ناشی می‌شود، تا «دگرگونی تاریکی به نور» تحقق یابد، و الی آخر.

ולכן נאמר ויעש ה' אלקים לאדם ולאשתו כתנות עור שני שמות כו'. וגם הפי' דשני שמות קאי לאדם ולאשתו לאדם עשה שם הוי"ה ולאשתו שם אלקים.

ازاین‌رو گفته شده است: «ה' אלקים برای آدم و همسرش جامه‌هایی از پوست ساخت» – دو نام، و الی آخر. همچنین تفسیر آن این است که دو نام به «آدم و همسرش» اشاره دارند: برای آدم، نام **הוי'** [آن‌ها را] ساخت، و برای همسرش، نام **אלקים**.

11 וחנוך היה תופר מנעלים פי' לאחר שנתקן בחי' עור הנ"ל ע"י כתנות עור דאדם וחוה תפר מהם חנוך מנעלים כמ"ש ענין זה ע"פ מה יפו פעמיך בנעלים כו' ע"ש.

«و حنوخ (חנוך, Chanoch) کفش‌دوز بود؛ یعنی پس از آنکه مرتبهٔ پوستِ یادشده در بالا، به واسطهٔ جامه‌های پوستی آدم نخستین (آدم הראשון, Adam HaRishon) و حوّا (חוה, Chavah) اصلاح شد، حنوخ از آن‌ها کفش دوخت؛ چنان‌که این موضوع در شرح آیهٔ «چه زیباست گام‌هایت در صندل‌ها...» و غیره توضیح داده شده است؛ به آنجا بنگرید.

ומ"מ גם אילו לא חטא אדה"ר [آدم הראשון] ולא היה קליפת נוגה מ"מ היה שייך עזר מבחי' כנגדו רק שהיה בחי' הכנגדו בדקות יותר.

بااین‌همه، حتی اگر آدم نخستین گناه نکرده بود و پوستهٔ نورانی (קליפת נוגה, kelipas nogah) وجود نداشت، باز هم یاری‌ای از مرتبهٔ «در برابر او» مطرح بود؛ تنها، مرتبهٔ «در برابر او» لطیف‌تر می‌بود.

12 והוא שהיתה העבודה להעלות מתחת הפרס' [הפרסא] כי יש בחי' פרסא בכל העולמות שמה שתחת הפרסא אינו ממהות שלמעלה מן הפרסא

یعنی خدمت این بود که آنچه را زیر حائل (פרסא, parsā) است بالا بیاورند؛ زیرا در همهٔ عوالم مرتبه (בחינה, bechinah)‌ای از حائل وجود دارد، به گونه‌ای که آنچه زیر حائل است از ماهیتِ آنچه بالای حائل است نیست؛

כמו באדם יש בחי' פרסא שהוא חצר הכבד המפסיק ומבדיל והרי כל בחי' האדם המוח והלב וכל החושים הן למעלה מן הפרסא.

همان‌طور که در انسان نیز حائلی وجود دارد، یعنی دیافراگم، که وقفه می‌اندازد و جدا می‌کند؛ و در واقع همهٔ جنبه‌های [اصلی] انسان—مغز و قلب و همهٔ حواس—بالاتر از حائل‌اند.

13 ומה שלמטה מן הפרסא אינו ע"ד מהות הכחות המעולים שלמעלה מהפרסא. ועד"ז יובן למעלה בענין

בחינת פרסא שיש בעולמות דקדושה עצמן בין אצי' לבריאה כו'.

و آنچه زیر پرده جداکننده است، از سنخ ماهیت قوای برتری نیست که بالای آن قرار دارند. به همین قیاس، در بالا نیز درباره مرتبه پرده جداکننده‌ای که در خودِ عوالم مقدس، میان عالم صدور (אצילות, Atzilus) و عالم آفرینش (בריאה, Beriah) وجود دارد، و مانند آن، فهمیده می‌شود.

لכן היה שייך להעלות מתחת הפרסא אף גם בבחי' היותו קודם החטא וזה היה ענין העזר כנגדו בכוונת

הבריאה. אבל אחר החטא הוא עזר כנגדו ענין בירור קליפת נוגה.

ازاین‌رو، حتی در حالت پیش از گناه نیز بالا آوردن آنچه زیر پرده جداکننده است موضوعیت داشت؛ و این همان موضوع «یاوری در برابر او» در مقصود آفرینش بود. اما پس از گناه، «یاوری در برابر او» به موضوع پالایش پوسته درخشان (קליפת נוגה, kelipas nogah) بدل شد.

14 וזהו ענין ויגרש את האדם כו' ומ"מ גם בחי' זו נמשל לצפוי דק וקלוש שיוכל להיות ממנו אור חוזר.

و این معنای «و او انسان را بیرون راند...» است، و غیره. باین‌همه، این مرتبه نیز به پوششی نازک و لطیف تشبیه شده است که می‌تواند از آن نور بازتابیده پدید آید.

כי ק"נ [קליפת נוגה] היא כלולה מטו"ר [מטוב ورע] והוא חיות כל דברים המותרים כו' שנק' היתר שאינו

אסור וקשור בידי החיצוי [החיצונים] ויוכל להעלות הטוב בבחי' אור חוזר כו'.

زیرا پوسته نُوگا از خوبی و بدی ترکیب شده است و نیروی حیات همه چیزهای مجاز را فراهم می‌کند؛ این چیزها «رهاشده» (היתر, heter) نامیده می‌شوند، زیرا در دست نیروهای بیرونی ممنوع و در بند نیستند، و می‌توان خوبی را به‌منزله نور بازتابیده بالا برد، و غیره.

15 ובכ"ז [ובכל זה] יובן מה שאומרים בברכת חתנים בברכת שמח תשמח חתן וכלה ובברכה אחרונה

שהיא אשר ברא אומרים משמח חתן עם הכלה

با این همه، آنچه در برکت‌های عروسی گفته می‌شود روشن می‌گردد: در برکت «شادمانی فراوان ببخش» [می‌گوییم] «آن‌که داماد و عروس را شادمان می‌کند»، و در برکت پایانی، یعنی «آن‌که آفرید»، می‌گوییم «آن‌که داماد را با عروس شادمان می‌کند».

פי' כי הכלה היא בחי' מל'.

یعنی عروس مرتبه فرمانروایی (מלכות, Malchus) است.

תחלה היא מקבלת האור מהחתן שנמשך מעלמא דדכורא בעלמא דנוקבא. וזהו חתן וכלה. אמנם אח"כ הוא משמח חתן עם הכלה שע"י הכלה הוא משמח את החתן שהרי נעשה לו עזר ממש ותוספת אור מבחי' כנגדו כנ"ל. וזהו שנעשית עטרה לבעלה:

נخست، او نوری را از داماد دریافت می‌کند؛ نوری که از عالم مذکر به عالم مؤنث کشیده می‌شود. این همان «داماد و عروس» است. اما پس از آن، «آن‌که داماد را با عروس شادمان می‌کند»؛ از طریق عروس، او داماد را شادمان می‌کند، زیرا عروس یاوری واقعی برای او می‌شود و افزوده‌ای از نور از جنبه «در برابر او» می‌شود، چنان‌که پیش‌تر گفته شد. و این‌گونه است که او «تاج شوهرش» می‌شود.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/6](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/6) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک